



اخبار

«یک تصادف ساده» در کن



بزرگترین جشنواره سینمایی جهان در شب انتهایی هفتاد و هشتمین دوره خود(کن ۲۰۲۵) نخل طلاش را به جعفر پناهی داد. این جشنواره ۲۸ سال پیش نخل طلای خود را به فیلم «طعم گیلان» و کارگردان آن عباس کیارستمی، سینماگر فقید ایرانی اهدا کرده بود. این بار اما جایزه این دوره جشنواره به فیلم «یک تصادف ساده» تعلق گرفته است که نه از روال متعارف بلکه به طریقی غیر رسمی در این جشنواره شرکت داده شده بود. یک تصادف ساده تا پایان آخرین روز جشنواره در رتبه اول جدول ارزشگذاری منتقدان کن قرار داشت.

اکران فیلم مستند

«صنعت نفت ایران» پس از ۱۰۰سال

برای اولین بار و پس از یک قرن، فیلم مستند «صنعت نفت ایران» به مناسبت پنجم خرداد، سالروز اکتشاف اولین چاه نفتی در خاورمیانه و خوزستان (شهر مسجدسلیمان، ۵ دوشنبه ۵ خردادماه ساعت ۱۷ در فرهنگسرای ارسباران اکران و پس از آن بررسی و تحلیل می‌شود. این فیلم مستند گزارشی است از شکل‌گیری صنعت نفت ایران و مراحل تولید نفت از روی دکل‌های حفاری که ۱۰۱ سال پیش (سال ۱۳۰۳) توسط کمپانی نفت ایران و انگلیس فیلمبرداری و ساخته شده و فیلمی از نوع مستند فکتی به صورت سیاه و سفید و قدیمی با تریشن گفتر است. پس از اکران فیلم دکتر رضا جباری؛ نماینده مردم مسجدسلیمان، هفتکل، لالی و اندیکا در مجلس شورای اسلامی، دکتر ادشیر صالح‌پور؛ استاد دانشگاه و مؤلف کتاب ادبیات نفتی به عنوان کارشناس فرهنگی هنری و دکتر فرشید خدادادیان؛ پژوهشگر تاریخ نفت و میراث صنعتی به عنوان کارشناس صنعتی ـ ـ نفتی درباره فیلم و مراحل شکل‌گیری و فعالیت صنعت نفت در مسجدسلیمان سخنرانی خواهد داشت. / **روابط عمومی**

نمایش آثار نفیسی از گنجینه حرم امام رضا(ع) برای اولین بار در تهران

با حضور قائم‌مقام تولیت آستان قدس رضوی، نمایشگاهی از آثار نفیس تاریخی، هنری و مذهبی حرم مطهر حضرت رضا(ع) با عنوان «فرزند هشت» در کتابخانه و موزه ملی ملک در تهران، گشایش یافت. در نمایشگاه فرزند هشت، مجموعه آثاری از حرم مطهر حضرت رضا(ع) به نمایش درآمده که برای اولین بار مجوز خروج آنها از حرم مطهر و انتقال این آثار به کتابخانه و موزه ملی ملک، موقوفه فرهنگی آستان قدس رضوی در تهران، گرفته شده است. این مجموعه شامل آثار مذهبی، هنری و تاریخی نفیسی می‌شود که طی سال‌ها هنرمندان در رشته‌های مختلف خلق کرده و برای ابراز ارادت به اهل بیت به حرم مطهر رضوی اهدا کرده‌اند. / **ا**

پروانه نمایش برای از «خدای جنگ» تا «بهشت تبهکاران»



فیلم‌های «خدای جنگ» به تهیه‌کنندگی سازمان هنری رسانه‌ای اوج و کارگردانی حسین دارابی، «سونسوز» به تهیه‌کنندگی سلمان عباسی و کارگردانی رضا جمالی، «جابر قناری» به تهیه‌کنندگی حسین مهکام و کارگردانی عادل مصومیان، «بهشت تبهکاران» به تهیه‌کنندگی فتح‌الله جعفری جوزانی و سیدعلی قائم مقامی و کارگردانی مسعود جعفری جوزانی، «دور، در میانه شرق» به تهیه‌کنندگی بهروز نشان و کارگردانی آرش انیسی از سوی شورای بازبینی فیلم‌های سینمایی پروانه نمایش دریافت کردند. همچنین انیمیشن «ژولیت و شاه» به تهیه‌کنندگی آرمان رهگذر و کارگردانی اشکان رهگذر، موافقت شورای پروانه نمایش فیلم‌های سینمایی را کسب کرد. / **مهر**

به طراحی و حروف دیده می‌شود. اما در برابر نمونه‌های فاخر آرامستان‌های استانبول، آنکارا یا شهرهای آناتولی، همچنان عقب هستیم. سنگ‌مزار در آن دیارها، نه‌فقط لوح یادبود، بلکه سندی از هویت فرهنگی، اجتماعی و هنری است. سنگ‌مزار در ترکیه هنوز هم مجالی برای نمایش خطاطی، دیزاین و حتی خلاقیت است. ترکیب خطوط عثمانی با معماری آرامگاهی، نوع سنگ، شیوه حکاکی و قاب‌بندی‌های دقیق به مزار معنا می‌بخشد.

در اصفهان، تخت فولاد گنجینه‌ای از سنگ‌مزارهای ارزشمند است. سنگ‌هایی که به‌دست استادان حجار و خوشنویس، با استفاده از خط کوفی بنایی، نستعلیق و ثلث، چنان یا ظرافت و معنا جباری شده‌اند که امروز پژوهشگران خوشنویسی از آنها به‌عنوان اسناد ارزشمند بصری بهره می‌برند. این گورستان‌ها، نه مکان‌های فراموش شده، بلکه کتابخانه‌هایی سنگی از فرهنگ ما هستند. در ایران، ما نه‌تنها از سنت‌های غنی گذشته فاصله گرفته‌ایم، بلکه در مسیر جایگزین نیز به سطحی‌ترین و کلیشه‌ای‌ترین فرم‌های نوشتاری و بصری قناعت کرده‌ایم. حتی وقتی هزینه‌های سنگ‌مزارها بالا می‌رود، باز هم این افزایش قیمت به طراحی یا خوشنویسی نمی‌انجامد، بلکه صرف جنس گران‌تر سنگ یا افزودن قاب و عکس‌هایی با فتوشاپ‌های بی‌سلیقه می‌شود. در چنین شرایطی، طراحان گرافیک باید نقش خود را بازتعریف کنند. جامعه هنری باید مطالبه‌گر باشد. سنگ‌مزار نه تنها نشانی از مرگ، بلکه لوحی است از هویت یک جامعه در یک برش تاریخی. در شهرهای بزرگی مانند تهران، نمونه‌هایی هرچند اندک اما قابل‌قبول در بهشت زهرا و بهشت مسکینه کرج یافت می‌شود؛ و در تبریز، آرامستان وادی رحمت، در برخی از قطعه‌ها هنوز ردپای تلاش برای احترام

نقش طراحان گرافیک به‌شدت نادیده گرفته شده است.

گرافیک دیزاین به‌عنوان یک تخصص، توانایی آن را دارد که مفاهیم عمیق انسانی، فرهنگی و تاریخی را در قالب فرم‌هایی ماندگار، زیبا و تأثیرگذار به‌تصویر بکشد. اما گرافیک دیزاینرها، به آن‌که می‌توانند در طراحی سنگ‌مزارها به‌عنوان مهم‌ترین و ماندگارترین وسایل انتقال فرهنگ و حافظه جمعی ایفای نقش کنند، یا از این حوزه غافل‌اند یا اساساً وارد آن نشده‌اند. گویی دیزاین سنگ‌قبرها، شان کار هنرمندانه ندارد؛ حال آن‌که شاید هیچ رسانه‌ای تا این حد با مفاهیم عمیق مرگ، حافظه، زندگی و هویت درگیر نباشد. چرا دیزاینرها از این عرصه کنار کشیده‌اند؟ آیا کسان می‌کنند که سنگ‌مزار، رسانه‌ای زنده نیست؟ آیا مرگ را پایان طراحی می‌دانند؟ یا آن‌که از طرف جامعه، تقاضای طراحی درست، سنجیده و هنرمندانه‌ای برای مزار در میان نیست؟ هرچه هست، نتیجه، انحطاطی است که امروزه در آرامستان‌ها شاهد آن هستیم. بسیاری از خانواده‌ها به‌خاطر ناآشنایی با زبان طراحی، گرافیک و خوشنویسی، به توصیه‌های فوری و سطحی بنگاه‌ها-تن می‌دهند. این بی‌تفاوتی عمومی نسبت به فرم و محتوا، موجب شده که سنگ‌مزار از جایگاه هنری خود خارج شود.

در حالی که سنگ مزار، نه تنها نشانی از مرگ، بلکه لوحی است از هویت یک جامعه در یک برش تاریخی. در شهرهای بزرگی مانند تهران، نمونه‌هایی هرچند اندک اما قابل‌قبول در بهشت زهرا و بهشت مسکینه کرج یافت می‌شود؛ و در تبریز، آرامستان وادی رحمت، در برخی از قطعه‌ها هنوز ردپای تلاش برای احترام



به جای آن که سنگ مزارها تابلوی اعلان پایان باشند، باید به صحیفه‌های هویتی و فرهنگی بدل شوند. این رسالت، نه بر دوش بنگاه‌های بکا و گریه است و نه مداحان. این رسالت، بر دوش طراحان، خوشنویسان و هنرمندان است



عکس: هلا ایران

سنگ‌مزارها؛ از هویت فرهنگی تا انحطاط بصری

در بنگاه‌های موسوم به «بکا و گریه» تنزل یافته‌اند؛ جملات کلیشه‌ای، اشعاری بی‌رقم و تکراری، خطوط شکسته و گاه نازیباکه نه در خور شأن متوفی‌اند و نه واجد ارزش هنری. اغلب این متون توسط مداحان یا کاتبان بنگاه‌ها تنظیم می‌شود و هیچ ردپایی از طراحی گرافیک، ترکیب‌بندی سنجیده یا خوشنویسی اصیل در آنها دیده نمی‌شود. گویی سنگ‌قبرها، به‌جای بازتاب فرهنگ، بدل به تابلوی اعلان مرگ‌های بی‌هویت شده‌اند. در قیاس با گذشته، آن‌چه امروز به‌عنوان «طراحی» بر پیکر سنگ‌های مزار نقش می‌بندد، نه طراحی است، نه دیزاین و نه حتی خط. اینها بیشتر نشانه‌ای از بی‌توجهی به زیبایی‌شناسی، حذف معنا و ابتدال دیداری‌اند. در حالی که سنگ‌مزار باید نشانی باشد از منزلت فرد، مقام فرهنگی و تعلقات زیباشناسانه یک جامعه. بی‌توجهی مطلق به گرافیک دیزاین در این‌عرصه، آن‌هم در کشوری با پیشینه درخشان خوشنویسی و دیزاین سنتی، مایه تأسف است. در این میان،

قم، یا حتی در دل کوچه‌های قدیمی شهرها، همچون موزه‌هایی از خوشنویسی و هنر جاری بوده‌اند. خطوطی باشکوه از نستعلیق، ثلث یا کوفی با محتوای ادبی، عرفانی یا دینی در قالب ترکیب‌بندی‌هایی زیبا و دلنشین که هم احترام به متوفی را بازتاب می‌دادند و هم برای بازدیدکنندگان زنده، تلنگری بودند از مرگ، معنا و گذر زمان. در سنگ‌مزارهای گذشته، خوشنویسی تنها ابزار زینتی نبود، بلکه رسانه‌ای معنوی و عمیق برای انتقال پیام بود. سنگ‌مزارها همان قدر که یادمان‌هایی برای درگذشتگان بودند، به‌مثابه کلاس‌های بی‌کلامی از زیبایی‌شناسی و حکمت نیز ایفای نقش می‌کردند. آنجا که یک بیت از حافظ یا سعدی با خطی نستعلیق بر ستنی مشکی حک شده، گویی حقیقتی ابدی را فریاد می‌زند که هم به متوفی می‌اندیشد و هم زنده را به تفکر وامی‌دارد. اما امروز، این نقش‌ها و معناها به‌شکل دردناکی از میان رفته‌اند. سنگ‌مزارها اغلب به تولیداتی سری‌دوری‌شده

سنگ مزار، در ظاهر تنها لوحی است برای مشخص کردن جایگاه ابدی مردگان. اما در نگاهی ژرف‌تر، سندی است ماندگار از باورها، زیبایی‌شناسی و ذوق نسل‌هایی که رفته‌اند. آنچه بر این سنگ‌ها حک می‌شود، تنها نام و تاریخ نیست، بلکه روایتی است از فرهنگ، هنر و نگاه یک جامعه به هستی، مرگ و ماندگاری. با این حال، آنچه در عصر حاضر در بسیاری از مزارستان‌های ایران و حتی دیگر کشورها به چشم می‌خورد، نه‌تنها حامل این بار معنایی و فرهنگی نیست، بلکه به‌نوعی نشانه‌ای از انحطاط بصری و زوال سلیقه جمعی ماست. در گذشته، سنگ‌مزارها در ایران، پیوسته در مناطقی چون تخت فولاد اصفهان، آرامستان وادی رحمت تبریز، بقعه‌ها و گورستان‌های



حسین نوروزی خوشنویس و طراح گرافیک

تاریخ نیست، بلکه روایتی است از فرهنگ، هنر و نگاه یک جامعه به هستی، مرگ و ماندگاری. با این حال، آنچه در عصر حاضر در بسیاری از مزارستان‌های ایران و حتی دیگر کشورها به چشم می‌خورد، نه‌تنها حامل این بار معنایی و فرهنگی نیست، بلکه به‌نوعی نشانه‌ای از انحطاط بصری و زوال سلیقه جمعی ماست. در گذشته، سنگ‌مزارها در ایران، پیوسته در مناطقی چون تخت فولاد اصفهان، آرامستان وادی رحمت تبریز، بقعه‌ها و گورستان‌های

سنگ‌تراش نامدار ایرانی درگذشت

سلام باباطاهر و بوعلی به «اوسا مراد»



حسن گوهرپور روزنامه‌نگار

آنکه سراغ هنر می‌رود، زندگی برایش معنا یی فراتر از معناهایی دارد که عامه به آن معتقدند و با آن روزگار می‌گذرانند. آنکه با هنر زیست می‌کند، غیر از لذتی که از کشف و شهود، دانایی و خردمندی، عشق و آفرینش می‌برد، در پی دریافت حقیقی رمز ماندگاری و جاودانگی است. انسان دو گونه زیست می‌کند؛ گونه‌ای که «خودش» و «نامی» که بر او نهاده‌اند همزمان در زمان جاری هستند و گونه‌ای دیگر زمانی است که جان او از وجودش رخت برمی‌بندد و روزگار ادامه حیات معنوی برای نامش آغاز می‌شود و این یعنی دیگرگونه زیستن. همانی که سعدی می‌گوید: «نام نیکو گر بماند ز آدمی / به که از او ماند سرای زرنگار» حال از استاد مرادعلی حنیفه، هم نام نیک مانده، هم سرای نیک.

جاودانگی رازش را با او درمیان نهاد علاقه و ایمان به جاودانگی دردی است که به جان هر کسی نمی‌افند. این درد از همان جنس است که مولانا در فصل چهارم «فیه‌مافیه» می‌گوید: «درد است که آدمی را رهبر است. در هر کاری که هست، تا او را درد آن کار و هوس و عشق آن کار در درون نخیزد، او قصد آن کار نکند و آن کار بی‌درد، او را میسر نشود، خواه دنیا، خواه آخرت، خواه بازرگانی، خواه پادشاهی، خواه علم، خواه نجوم و غیره.» درد همونایی و مؤانست و معاشرت با سنگ، از آن جنس دردهایی بود که به جان «اوسا مراد» افتاده بود. خودش به کرات می‌گفت: «دلیل ماندگاری و تلاش بی‌پایان من در این سال‌ها، عشق به حرفه‌ام بود؛ در غیر این صورت نمی‌توانستم ۷۰ سال پای پی بر سنگ‌های سخت تیشه بزنم و بر دل آن حکاکی کنم. دوست داشتم آثاری از خود به جای بگذارم که بعدها بگویند کسی هم بوده که اینها را ساخته؛ چرا



استادگار همدانی. پس از باباطاهر، هنرمایی‌های استاد هوشنگ سیحون در طرح و نقشه، با ظریف‌کاری‌های استاد حنیفه در مدت ۴ سال به ساخت آرامگاه بوعلی سینا انجامید. حالا «اوسا مراد» چهره‌ای شده که به معاشقه با تیشه و سنگ خارا در کشور اشتهار پیدا کرده است و از هر شهر و دیاری، برای ماندگار کردن بنای نامداران خود با دست‌های این هنرمند چیره‌دست در پی او هستند و هم از اینجاست که بعد از ساخت آرامگاه باباطاهر و بوعلی سینا، برای ساخت مقبره ملک‌الشعرای تبریز وی را به آذربایجان دعوت می‌کنند و او هم همراه سنگ‌های گرانبی به تبریز سفر می‌کند. سفر بعدی «اوسا مراد» فخر دیار هگمتانه

شده است. بعد از این آثار، رفتن به مراغه و ساخت آرامگاه اوحدی‌مراغه‌ای، جانبخشی هنرمندانه دیگری از «اوسا مراد» بود که ماندگار شد و نامش را تا روزگار در گذر است، ادامه خواهد داد. حالا دیگر استاد مراد حنیفه در میان ما نیست. خودش می‌گفت گاهی عکس‌ها، فیلم‌ها یا حتی وقتی از نزدیک این آثار را می‌بینم از خودم می‌پرسم آیا من این سنگ‌ها را تراشیده‌ام؟ و حال خوبی به من دست می‌دهد. حالا اما دریغ و درد که باید در فقدان این هنرمند بزرگ سوگوار باشیم. اندوهگین هستیم از اینکه استاد مرادعلی حنیفه ۳۰ اردیبهشت‌ماه پس از تحمل یک دوره سخت بیماری در سن ۹۱ سالگی و در همدان درگذشت. یادش گرامی و نامش جاودان.



استاد مراد همدانی می‌گوید دلیل ماندگاری و تلاش بی‌پایان من در این سال‌ها، عشق به حرفه‌ام بود؛ در غیر این صورت این توانستم ۷۰ سال پای پی بر سنگ‌های سخت تیشه بزنم



کاوه صادقی آزاد فعال رسانه

دونمایشگاه اخیر موزه هنرهای معاصر یعنی «چشم در چشم؛ پرتره در هنر مدرن و معاصر» و «پیکاسو در تهران» نشان از وجود «سلیقه» در نحوه «ارائه» ی (presentation) یک رخداد هنری دارد. استفاده از اتاق فکر، بهره‌بردن از نظر کارشناسان و متخصصان فن، حضور نیروی متخصص و پالنگیزه و «بازربط» در جای درست که در فعالیت‌های اخیر موزه به‌خوبی محسوس است. در نمایش آثار پیکاسو، جدای به نمایش گذاشتن صرف آثار برای بازدیدکنندگان، به نحوه ارائه آنها نیز فکر شده بود. مخاطب در بدو ورود به نمایشگاه با اطلاعات مختصر و کلیدی از دوره‌های مختلف هنری پیکاسو و دلایل خلق برخی آثارش آشنا شده و با چنین پیش‌زمینه‌ای به نمایش تابلوها می‌رود. غیر از این موضوع، آثار دسته‌بندی شده بود؛ برای نمونه، چاپ‌های پیکاسو از دیگر آثار او (کارهای مربوط به جنگ، گاوپازی، کوپیسیم و...) جدا شده بودند. اطلاعاتی از تکنیک چاپ‌های مختلف مثل اچینک، لیتو، لیتوگرافی، درای‌پوینت و... به مخاطب ارائه شده بود تا هنگام بازدید از آثار اطلاعاتی از نحوه خلق آنها داشته باشد. همین رویکرد و دسته‌بندی و ارائه فکرشده در نمایشگاه «چشم در چشم» نیز به‌خوبی باز بود.

برگزاری رویدادهای مختلف در خلال نمایشگاه

فروش مرغ مادر گوشتی

(پایان دوره)

شرکت مجتمع تولید گوشت مرغ ماهان در نظر دارد مرغ پایان دوره گله راس فارم میثاق واقع در استان زنجان خود را به تعداد حدود ۴۵۰۰۰ قطعه (حدود ۱۱۸ تن) از طریق مزایده به فروش برساند.

لذا از متقاضیان دعوت می‌شود جهت دریافت فرم مزایده یا دبیرخانه شرکت به‌شماره ۰۲۱۶۶۹۲۴۰۴۱ داخلی ۱۲۲ یا آدرس سایت شرکت به نشانی www.e-mahan.ir و یا با شماره ۰۹۱۹۸۳۴۵۰۷۱ تماس حاصل نمایند و فرم‌های مربوطه را تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۳/۰۷ ساعت ۱۲ ظهر به آدرس ایمیل sale@e-mahan.ir و یا شماره فکس ۰۲۱۶۶۹۴۶۱۶۸ و یا حضورا به آدرس شرکت ارسال نمایند.

مناقصه عمومی بازسازی ساختمان اداری

خرداد ۱۴۰۴ - ۱۴۰۳

شرکت خدمات ارتباطی ایرانسل در نظر دارد بازسازی طبقه همکف ساختمان تهران غرب خود را به پیمانکاران توانمند و دارای صلاحیت واگذار کند.

جزئیات بیشتر و ثبت نام در مناقصه:

sourcing.irancellir.ir

ارتباط با ما:

hamidreza.fad@mnirancellir.ir

۰۲۱-۲۳۱۹۴۵۹۰

مهلت ارسال اسناد مناقصه:

تا ۱۸ خرداد ۱۴۰۴

ایرانسل